

آیا رسول خدا (ص) آیاتی از قرآن کریم را فراموش می‌کرد؟

سؤال کننده: محمد صادق عسگرنژاد

توضیح سؤال:

در کتاب بخاری روایتی را دیدیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله روزی وارد مسجد شدند و شنیدند که شخصی آیاتی از قرآن را می‌خواند، آن حضرت فرمود: خدا او را رحمت کند، آیاتی را خواند که من آن‌ها را فراموش کرده بودم؟

آیا این قضیه واقعیت دارد؟

آیا با عصمت آن حضرت در تضاد نیست؟

پاسخ:

اصل روایت در بخاری و مسلم:

یکی از اشکال‌هایی که اعتبار کتاب بخاری و مسلم را زیر سؤال می‌برد، اهانت‌هایی است که در این کتاب به پیامبران خدا شده است که ما نمونه‌هایی از آن را در آدرس ذیل آورده‌ایم:

<http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=question&id=9629>

یکی از این اهانت، تهمت فراموش کردن آیات قرآن است. بخاری و مسلم در صحیح‌شان نقل کرده‌اند که:

مَدَّثَنَا رَبِيعُ بْنُ يَمِيٍّ مَدَّثَنَا إِدْنَةُ مَدَّثَنَا هِشَامٌ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رَبًّا يَقْرَأُ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ يَرْمَهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِي كَذَا وَكَذَا آيَةً مِنْ سُورَةِ كَذَا مَدَّثَنَا مَعْمَدُ بْنُ عَبِيدِ بْنِ مَيْمُونٍ

مَدَّثَنَا عَيْسَى عَنْ هِشَامٍ وَقَالَ اسْقَطْتُهُنَّ مِنْ سُورَةِ

كَذَا تَابَعَهُ عَلِيُّ بْنُ مُسْهِرٍ وَعَبْدَةُ عَنْ هِشَامٍ

مَدَّثَنَا أُمَمَدُ بْنُ أَبِي رَبِيعٍ هُوَ أَبُو الْوَلِيدِ الْهَرَوِيُّ مَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ سَمِعَ رَسُولَ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَبًّا يَقْرَأُ فِي سُورَةِ بِاللَّيْلِ فَقَالَ يَرْمَهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِي كَذَا وَكَذَا آيَةً كُنْتُ أَنْسِيْتُهَا مِنْ سُورَةِ كَذَا وَكَذَا

رسول خدا صلی الله علیه وآله روزی وارد مسجد شد و شنید که مردی آیاتی از قرآن کریم را می‌خواند؛ پس گفت: فدای او

را ریمت کند، به درستی که او فلان و فلان آیه را از فلان سوره به یاد آورده.

عیسی از هشام نقل کرده است که رسول خدا فرمود: (او آیاتی را به یاد من آورد که) من آن‌ها را از (فلان) سوره

مذف کرده بودم.

علی بن مسهر و عبده نیز روایت را به همین صورت از هشام نقل کرده‌اند.

عائشه نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله شبی شنید که مردی آیاتی از یک سوره را می‌خواند، پس

فرمود: خدا او را رحمت کند، به درستی که فلان آیات از فلان سوره را به یاد من آورد که من از ذن برده شده بود.

البخاری الجعفی، ابوعبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 4 ص 1922، ح 4750 - 4751، کتاب فضائل القرآن، باب نسیان القرآن، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، البمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

همین مطالب در «صحیح مسلم ج 1 ص 543، باب فضائل القرآن وما يتعلق به» نیز نقل شده است.

تردیدی نیست که این مسأله تهمت است ناروا به خاتم پیامبران؛ چرا که فراموش کار بودن پیامبر، اعتماد مردم را نسبت به او سلب خواهد کرد و این مسأله با غرض و هدفی که خداوند از ارسال پیامبران داشته، در تضاد است؛ چرا که اگر آن مرد آیات فراموش شده را نمی‌خواند، شاید هیچ وقت به یاد پیامبر نمی‌آمد و از قرآن حذف می‌شد. از کجا معلوم که آیات دیگری را فراموش نکرده باشد و ما از وجود آیات بی‌بهره نشده باشیم؟

هدف و انگیزه از طرح این مطالب:

تردیدی نیست که هدف از انتشار این مطالب، زیر سؤال بردن حافظه خاتم پیامبران و اثبات این مطلب است که آن حضرت حتی در امور مربوط به تبلیغ دین و حفظ قرآن کریم نیز دچار خطا و لغزش می‌شده و حتی از معجزه جاویدان خود نیز نمی‌توانسته حفاظت نماید. این هدف از سوی دشمنان اسلام و به ویژه یهودیان تازه مسلمان به منظور زیر سؤال بردن مشروعیت دین مبین اسلام و حجیت قرآن، دنبال می‌شده و انتشار یافته است؛ اما متأسفانه همین مطالب در صحیح‌ترین کتاب‌های اهل سنت به صورت گسترده نقل شده است. هدف دیگر طراحان و ناشران این مطالب، پایین آوردن مقام و منزلت رسول خدا صلی الله علیه وآله است؛ چرا که پیروان سقیفه باید از رسول خدا شخصیتی بسازند که عمر و ابوبکر بتواند جانشینی او را به عهده بگیرد. و از طرف دیگر دیده‌اند که نمی‌توانند مقام ابوبکر و عمر را به مقام پیامبر برسانند، تلاش کرده‌اند که مقام آن حضرت را پایین بیاورند تا بین پیامبر و جانشینان او تناسب اندکی حاصل شود و آن‌ها بتوانند جانشین رسول خدا لقب بگیرند.

بسیاری از بزرگان اهل سنت از پسر عمر نقل کرده‌اند که دوازده سال طول کشید تا عمر بن الخطاب سوره بقره را یاد بگیرد:

عن عمر قال: تعلم عمر بن الخطاب رضی الله عنه البقره فی اثنی عشره سنه فلما أتمها نمر جزورا.

عبد الله عمر گفته: (پدرم) عمر بن الخطاب سوره بقره را در مدت دوازده سال یاد گرفت، وقتی موفق شد، پندین شتر به

شکرانه آن ذبح کرد!

البیهقی، أحمد بن الحسين بن علی بن موسی ابوبکر (متوفای 458هـ) شعب الإیمان، ج 2، ص 1954، تحقیق: محمد السعید بسیونی زغلول، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1410هـ؛

الأنصاری القرطبی، ابوعبد الله محمد بن أحمد (متوفای 671هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج 1، ص 40، ناشر: دار الشعب - القاهرة؛

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفای 571هـ)، تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمیة من حلها من الأمائل، ج 44، ص 286، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامه العمری، ناشر: دار الفكر - بیروت - 1995؛

الذهبی الشافعی، شمس الدین ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای 748 هـ)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج 3، ص 267، تحقیق د. عمر عبد السلام تدمری، ناشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت، الطبعة: الأولى، 1407هـ - 1987م؛

السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای 911هـ)، تنویر الحوالمک شرح موطأ مالک، ج 1، ص 162، ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، 1389هـ - 1969م؛

السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای 911هـ)، الدر المنثور، ج 1، ص 54، ناشر: دار الفكر - بیروت - 1993؛

الزرقانی، محمد بن عبد الباقي بن یوسف (متوفای 1122هـ) شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک، ج 2، ص 27، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1411هـ؛

الکتانی، عبد الحی بن عبد الکبیر (متوفای 1383هـ)، نظام الحکومة النبویة المسمى التراتیب الإدراية، ج 2، ص 280، ناشر: دار الكتاب العربی - بیروت.

طبیعی است که چنین شخصی با چنین استعداد و حافظه‌ای نمی‌تواند جانشین کسی باشد که قبل از آوردن جبرئیل آیات قرآن را می‌خوانده و دانش اولین و آخرین را خداوند به او داده است. طرفداران خلیفه روایاتی را ساخته‌اند که این مسأله مشکلی به وجود نمی‌آورد؛ چرا که خود پیامبر نیز از حافظه و استعداد چندانی برخوردار نبوده و حتی آیات قرآن را نیز فراموش می‌کرده است .

همچنین طرفداران خلفا وقتی دیده‌اند که عمر بن الخطاب آیاتی از قرآن را فراموش و بر خلاف آن نظر می‌داد، برای توجیه این مسائل، تلاش کرده‌اند که ثابت کنند رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز آیاتی از قرآن را فراموش و حتی از قرآن حذف می‌کرد تا کسی نتواند به خلیفه ایراد بگیرد .

از جمله ، فتوای اشتباه عمر در باره مهریه زنان بسیار مشهور است .

598- **مَدَنَّا هُنَّيْمَ قَالَ مَدَنَّا مَجَالِدَ عَنِ الشَّعْبِيِّ قَالَ فَطَبُ بْنُ فُطَبِ بْنِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ النَّاسُ فَمَدَّ اللهُ وَأَتْنَى عَلَيْهِ**

وَقَالَ أَلَا لَا تَغَالُوا فِي صَدَقِ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَبْلُغُنِي عَنْ أَمَدٍ سَاقٍ أَكْثَرَ مِنْ شَيْءٍ سَاقَهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ سِيقٍ

إِلَيْهِ إِلَّا بَعَلْتَ فَضَلْ ذَلِكَ فِي بَيْتِ الْمَالِ ثُمَّ نَزَلَ فَعَرَضَتْ لَهَا امْرَأَةٌ مِنْ قَرِيْشٍ فَقَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ

أَمْقُ أَنْ يَتَّبِعَ أَوْ قَوْلِكَ قَالَ بَلْ كِتَابُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَا ذَلِكَ نَهَيْتَ النَّاسَ أَنْ يَغَالُوا فِي صَدَقِ النِّسَاءِ وَاللهُ

عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ «وَأَتَيْتُمْ إِمْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْمُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» فَقَالَ عُمَرُ كُلُّ أَمَدٍ أَفْقَهُ مِنْ عُمَرَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا...

روزی عمر بن الخطاب فطبه می‌فواند، پس از ممد و ستایش خداوند گفت: کسی حق ندارد در مهریه زنان، (زیاده‌روی کند،

اگر به من خبر برسد که کسی بیشتر از آن چه که رسول خدا پرداخت کرده، پرداخت کند و یا به او پرداخته شود، من اضافه

آن را به بیت المال می‌ریزه . وقتی از منبر پایین می‌آمد، زنی از قریش به او اعتراض کرد که ای امیر المؤمنین ! کتاب خدا شایسته‌تر است که پیروی شود یا گفتار تو ؟ عمر گفت: بلکه کتاب خدا شایسته‌تر است، چرا این سخن را گفتی؟ آن زن گفت: تو الآن مردم را از زیاده‌روی در مهریه زنان نهی کردی؛ در حالی که خداوند در کتابش می‌فرماید: «و اگر مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید!». پس عمر گفت: همه مردم از عمر آگاه‌تر هستند. این جمله را دو بار یا سه بار گفت .

الخراسانی، سعید بن منصور (متوفای 227هـ)، سنن سعید بن منصور، ج 1 ص 195، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمی، ناشر:الدار السلفية - الهند، الطبعة: الأولى، 1403هـ - 1982م .

همین روایت را بسیاری از بزرگان اهل سنت نقل کرده‌اند که ما به ذکر چند آدرس اکتفا می‌کنیم.

الطحاوی الحنفی، ابوجعفر أحمد بن محمد بن سلامة (متوفای 321هـ)، شرح مشکل الآثار، ج 13 ص 57، تحقیق شعيب الأرناؤوط، ناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1408هـ - 1987م.

الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التمیمی (متوفای 604هـ)، التفسیر الكبير أو مفاتیح الغیب، ج 10 ص 12، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1421هـ - 2000م.

الأنصاری القرطبی، ابوعبد الله محمد بن أحمد (متوفای 671هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج 5 ص 99، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای 774هـ)، تفسیر القرآن العظيم، ج 1 ص 468، ناشر: دار الفکر - بیروت - 1401هـ.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852هـ)، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية، ج 8 ص 94، تحقیق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشتری، ناشر: دار العاصمة/ دار الغیث، الطبعة: الأولى، السعودية - 1419هـ .

و نیز فتوای مشهور او در باره تیمم که بر خلاف نص صریح قرآن کریم فتوا داد که اگر کسی جنب شود و آب نداشته باشد، لازم نیست نماز بخواند .

مسلم نیشابوری در صحیح خود می‌نویسد:

أَنَّ رَجُلًا أَتَى عُمَرَ فَقَالَ إِنِّي أَجَنَّبْتُ فَلَمْ أَجِدْ مَاءً فَقَالَ لَا تُصَلِّ فَقَالَ عَمَرُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أَنَا وَأَنْتَ

فِي سَرِيَّةٍ فَأَجَنَّبْنَا فَلَمْ نَجِدْ مَاءً فَأَمَّا أَنْتَ فَلَمْ تُصَلِّ وَأَمَّا أَنَا فَتَمَعَعْتُ فِي التُّرَابِ وَصَلَّيْتُ فَقَالَ النَّبِيُّ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا كَانَ يَكْفِيكَ أَنْ تَضْرِبَ بِيَدَيْكَ الْأَرْضَ ثُمَّ تَنْفُخَ ثُمَّ تَمْسَحَ بِهِمَا وَجْهَكَ وَكَفَّيَكَ فَقَالَ

عُمَرُ اتَّقِ اللَّهَ يَا عَمَرُ قَالَ إِنْ شِئْتَ لَمْ أَمُدَّ بِهِ.

مردی پیش عمر آمد و گفت: من جنب شده‌ام؛ اما آبی نیافتم (که غسل کنم، چه کار کنم؟) عمر گفت: نماز نفوان!

عمار که در مجلس حاضر بود به عمر گفت: یادت نیست که من و تو در جنگی حاضر بودیم و هر دوی ما جنب شده و آبی

پیدا نکردیم، تو نماز نفواندی؛ اما من خودم را در خاک غلطاندم و نماز خواندم . پس رسول خدا (ص) فرمود: «کافی بود

که دستانت به زمین می‌زدی و سپس می‌تکندی و بعد با هر دوی آن‌ها، صورت و مچ دستانت را مسح می‌کردی». پس

عمر گفت: از خدا بترس ای عمار. عمار گفت: اگر تو می‌فواهی دیگر در باره آن سفنی نخواهم گفت.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، ج 1، ص 280، ح 368، باب التيمم، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي.

طبیعی است که اگر عمر بن الخطاب آیه « فَلَمْ تَمِدُّوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا... » یادش بود، چنین فتوای را نمی‌داد.

حال اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز آیات قرآن را فراموش و یا حتی آن را از قرآن پاک کرده باشد، مشکلی برای خلیفه پیش نخواهد آمد و عذر او بسیار موجه‌تر از عذر پیام‌آور خدا خواهد بود!!!

آیات قرآن و فراموشی رسول خدا (ص) :

روشن است که فراموش کردن آیات قرآن کریم توسط رسول خدا از دروغ‌های آشکاری است که نه با عقل می‌سازد و نه با قرآن و نه با سنت؛ چرا که اگر پیامبر نتواند آیات قرآن را که معجزه جاودانه او است، حفظ نماید، نمی‌توان به چنین شخصی در امر تبلیغ دین و انجام رسالت الهی اعتماد و اطمینان کرد و در نتیجه چنین شخصی صلاحیت دریافت وحی و رسالت را نمی‌تواند دارا باشد.

خداود صراحتاً در سوره اعلی می‌فرماید:

سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَى . إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى .

الأعلى/6 و 7 .

ما بزودی (قرآن را) بر تو می‌فوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می‌داند!

خداوند در این آیه به پیامبرش به صورت مطلق وعده داده است که هرگز آیات قرآن را فراموش نخواهد کرد؛ به ویژه که از کلمه «سین» استفاده کرده است که در این جا استمرار اقرار را ثابت می‌کند. سپس خداوند این اطلاق را با جمله «إلا ما شاء الله» به منظور دوام و استمرار قدرت خودش استثناء می‌زند و در حقیقت به پیامبرش گوشزد می‌کند که خداوند قادر است که این لطف را هر وقت که اراده کند از تو بگیرد و تو را دچار نسیان و فراموشی کند.

و این استثناء تأکید بیشتری است بر این که او هرگز آیات قرآن را فراموش نخواهد کرد؛ چون این عدم فراموشی لطفی است از جانب خداوند و خداوند هیچگاه پیامبرش را از این لطف بزرگ محروم نخواهد کرد؛ چرا که نسیان و فراموشی با اصل رسالت و غرض نبوت او در تضاد است.

نظیر این استثناء در آیات دیگر هم دیده می‌شود؛ از جمله در آیه :

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَعَلَى الْبَنَاتِ فَعَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ.

اما آنها که فوشبخت و سعادت‌مند شدند، جاودانه در بهشت فوهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست،

مگر آنچه پروردگارت بفوهد! بفششی است قطع نشدنی!

تردید نیست که اگر کسی وارد بهشت شود، هرگز آن خارج نخواهد شد؛ اما خداوند در این جاء با جمله «إلا ما شاء ربك» این قاعده را استثنا می‌زند تا به همگان بفماند: با این که بهشت محلی است که برای همیشه در آن خواهید ماند؛ اما با این حال سبب سلب قدرت از خداوند نخواهد شد و به این معنا نیست که خداوند نمی‌تواند شما را از بهشت بیرون کند.

بنابراین استثناء در آیه «سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَى . إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...» نیز به همین معنا است نه این که رسول خدا صلی الله علیه وآله چیزی را فراموش کرده باشد و خداوند دوباره آن را به یادش آورده باشد.

متأسفانه برخی از دانشمندان سنی به منظور توجیه و دفاع کور کورانه از روایاتی که در بخاری و مسلم، تلاش کرده‌اند که از این جمله به نفع خود استفاده و ثابت کنند که رسول خدا آیات فراموش می‌کرده؛ اما خداوند به وسیله‌ای؛ مثل خواندن همان آیات توسط یک نفر از اصحاب و ... دوباره آن را به یاد پیامبرش می‌آورده است .

عبد العظیم زرقانی، یکی از دانشمندان معاصر سنی مذهب در جواب این عده می‌نویسد:

وأما امتجاجهم الثانی وهو الاستثناء الذی فی قوله سبحانه «سنقرئك فلا تنسى إلا ما شاء الله» فلا يدل علی ما زعموا لأنه استثناء صوری لا حقیقی .

والمکمة فیہ أن یعلن الله عباده أن عدم نسیانه صلی الله علیه وسلم الذی وعده الله إیاه فی قوله «فلا تنسى» إنما هو ممض فضل من الله وإمسان ولو شاء سبحانه أن ینسیه لأنساه.

...والدلیل علی أن هذا الاستثناء صوری لا حقیقی أمران أمدهما ما جاء فی سبب النزول وهو أن النبی (ص) کان یتعب نفسه بکثرة قراءة القرآن متى وقت نزول الومی مخافة أن ینساه ویفلس منه فاقترض رممة الله بمیبیه أن یطمئن من هذه النامیه وأن یریمه من هذا العناء فنزلت هذه الآیه

كما نزلت آیه «لَا تَمُرُّكَ بِهِ لِسَانُكَ لِتَعْجَلَ بِهِ . إِنْ عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَقُرْآنُهُ» (القیامة 16 / 17) وآیه «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ

مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه 114)

ثانیهما أن قوله «إلا ما شاء الله» (الأنعام 128) یعلق وقوع النسیان علی مشیئة الله إیاه والمشیئة لم تقع بدلیل ما مر بک من نمو قوله «إن علينا جمعه وقرآنه» (القیامة 17) وإذا فالنسیان لم یقع للعلم بأن عدم مصول المعلق علیه یتستلزم عدم مصول المعلق فالذی عنده ذوق لأسالیب اللغه ونظر فی وجوه الأدلة یتردد فی أن الآیه وعد من الله أكید بأن

الرسول یقرئه الله فلا ینسی وعدا منه علی وجه التأيید من غیر استثناء مقیقی لوقت من الأوقات وإلا لما كانت الآیة مطمئنة له علیه الصلاة والسلام ولکان نزولها أشبه بالعبث ولغو الكلام.

اما دلیل دوم آن‌ها (موافقان نسیان) استثنائی است که در این گفتار فداوند «سنقرئک...» آمده است؛ اما این آیه بر آن چیزی که آن‌ها خیال می‌کنند، دلالت ندارد؛ چرا که این استثناء صوری است نه مقیقی .

محکم آوردن این استثناء این است که فداوند به بندگانش اعلام کند، عدم فراموشی رسول خدا صلی الله علیه وآله، وعده‌ای است که فداوند در جمله «فلا تنسی» داده و این عدم فراموشی فضل و مرممتی است از جانب فداوند و اگر فداوند بخواهد ، می‌تواند او را به فراموشی بیندازد.

دلیل بر این که این استثناء صوری است و نه مقیقی، دو چیز است:

دلیل اول: مطالبی که در سبب نزول این آیه نقل شده و آن این که : رسول خدا صلی الله علیه وآله خودش را با زیاد خواندن آیات قرآن در زمان نزول به سفتی می‌انداخت، تا مبادا آن‌ها را فراموش کند و از دستش ببرد. پس رحمت فداوند نسبت به میبیش اقتضاء می‌کرد که او را از این نامیه مطمئن سازد و از این سفتی رامت نماید؛ پس این آیه نازل شد. همان طوری که این آیه نازل شد:

«زبان را بفاطر عجله برای خواندن آن [قرآن] حرکت مده، چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست!»

همان گونه که این آیه نازل شد:

«پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!»

دلیل دوم این که : وقوع نسیان در آیه «الا ماشاء الله» به مشیت و خواست فداوند معلق شده است و این مشیت الهی به دلیل آیاتی که گذشت؛ مثل: «إن علينا جمعه وقرآنه»، در خارج تمقق نیافته است. بنابراین، فراموشی ممقق نشده است؛ به دلیل این که علم به عدم تمقق معلق علیه (مشیت الهی)، مستلزم عدم مصول معلق (نسیان) است.

از این رو، کسی که از ذوق و سلیقه در لغت برفوردار باشد (با روش‌های فصاحت و بلاغت آشنا باشد)، و به دلایل

متعدد بنگرد، تردید نخواهد کرد که آیه وعده می‌دهد که فداوند آیات را بر رسولش خواهد خواند؛ و او با این وعده

الهی هرگز آن‌ها را فراموش نخواهد کرد؛ برای همیشه و بدون استثناء مقیقی، در هیچ زمانی از زمان‌ها و گر نه این

آیه اطمینانی را برای آن مضرت به ارمغان نمی‌آورد و نزول آن شبیه به عبث و کلام لغو خواهد بود .

الزرقانی ، محمد عبد العظیم (متوفای 1367هـ) ، مناهل العرفان فی علوم القرآن ، ج 1 ص 186 - 187 ، ناشر : دار الفکر - لبنان ، الطبعة :

مذمت فراموش کردن آیات قرآن، در روایات اهل سنت:

جالب است که روایاتی فراوانی در منابع اهل سنت در مذمت فراموش کردن قرآن وارد شده است؛ تا جائی که برخی از روایات آن را بزرگترین گناه و بزرگترین مصیبت عنوان کرده و وعده عذاب سختی را برای فراموش کننده آن نقل نموده‌اند. محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم نیشابوری در صحیح شان از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده‌اند که آن حضرت به همه مسلمانان‌ها دستور می‌دادند، همیشه قرآن را تکرار کنند تا فراموش نکنند:

عَنْ أَبِي وَائِلٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِئْسَ مَا لِأَمَدِهِمْ أَنْ يَقُولَ نَسِيتُ آيَةً كَيْتَ وَكَيْتَ بَلْ نُسِيَ وَاسْتَذَكِرُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَشَدُّ تَفْصِيحًا مِنْ مُذْوَرِ الرِّجَالِ مِنَ النَّعَمِ .

از ابو وائل از عبد الله نقل شده است که (رسول خدا (ص) فرمود: بد چیزی است که یکی از شما بگوید: من فلان و فلان آیه را فراموش کرده‌ام، بلکه (باید بگوید): فراموش داده شده‌ام. قرآن را زیاد یادآوری کنید، چرا که سفت‌تر از فرار میوه‌نات (از بند)، از سینه انسان فرار می‌کند.

البخاری الجعفی، ابوعبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 4 ص 1921، ح 4744، كِتَابُ فَضَائِلِ الْقُرْآنِ، بَابُ اسْتِذْكَارِ الْقُرْآنِ وَتَعَاهُدِهِ، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

النیشابوری القشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (متوفای 261هـ)، صحیح مسلم، ج 1 ص 544، ح 790، كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا، بَابُ فَضَائِلِ الْقُرْآنِ وَمَا يَتَعَلَّقُ بِهِ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

و یا در روایت دیگر نقل کرده‌اند که رسول خدا فرمود:

تَعَاهَدُوا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفْصِيحًا مِنَ الْإِبِلِ مِنْ عَقْلِهَا.

به قرآن زیاد توجه کنید؛ زیرا قسم به کسی که جانم در اختیار او است، قرآن، دور شدن قرآن (از قلب) سفت‌تر از درو شدن شتر از بند است.

البخاری الجعفی، ابوعبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 4 ص 1921، ح 4746، كِتَابُ فَضَائِلِ الْقُرْآنِ، بَابُ اسْتِذْكَارِ الْقُرْآنِ وَتَعَاهُدِهِ، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

با این حال، آیا رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌تواند همین دستوری را که خودش به دیگران داده است، انجام ندهد؟ آیا در این صورت (نعوذ بالله) مصداق این آیه شریفه نخواهد شد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سغنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار مویب فشم است که سغنی

بگویید که عمل نمی‌کنید!

ابو داود سجستانی در سنن خود در باره مجازات کسی که آیات قرآن را بعد از حفظ کردن آن فراموش کند، نوشته است :

مَدَّثَنَا مَمْدُ بْنُ الْعَلَاءِ أَفْرِنَا بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ فَائِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَمْرٍ يُقْرَأُ الْقُرْآنَ ثُمَّ يَنْسَاهُ إِلَّا لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْذَمًا .

سعد بن عباده از (رسول خدا) نقل کرده است که آن مضرت فرمود: هیچ شفصی نیست که قرآن را بفواند و سپس آن را فراموش کند؛ مگر این که در روز قیامت فداوند را در مالی ملاقات می‌کند که گرفتار مرض جذام است.

السجستانی الأزدي، ابوداود سليمان بن الأشعث (متوفى 275هـ)، سنن أبي داود، ج 2 ص 75، ح 1474، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، ناشر: دار الفكر.

ابن أثير الجزري، المبارك بن محمد ابن الأثير (متوفى 544هـ)، معجم جامع الأصول في أحاديث الرسول، ج 8 ص 509، طبق برنامه الجامع الكبير.

عبد الرؤوف مناوى در شرح این روایت می‌گوید:

(ما من امرئ يقرأ القرآن) أى يمفظه عن ظهر قلب (ثم ينساه الا لقي الله يوم القيامة وهو (أجْذَم) بذاال معجمة أى

مقطوع اليد أو به داء الجذام أو هو قال من الفير صفرا من الثواب وفيه أن نسيان القرآن كبيرة لهذا الوعيد (**دعن سعد**

بن عبادة) واستاده مسن.

اگر شفصی قرآن را در دلش مفظ و سپس آن را فراموش کند، فداوند را در قیامت در مالی ملاقات می‌کند که گرفتار

بیماری جذام است . اجْذَم ؛ یعنی کسی که دستانش قطع باشد و یا گرفتار بیماری جذام است، یا این که دستان این

شفص از فیر و ثواب فالی است . طبق این روایت و وعده غذایی که در آن داده شده، فراموش کردن قرآن از گناهان کبیره

است . این روایت ابوداود از سعد بن عباده نقل کرده و سند آن نیز «مسن» است .

المناوى، محمد عبد الرؤوف بن على بن زين العابدين (متوفى 1031هـ)، التيسير بشرح الجامع الصغير، ج 2 ص 358، ناشر:

مكتبة الإمام الشافعى - الرياض، الطبعة: الثالثة، 1408هـ - 1988م.

احمد بن حنبل در مسندش می‌نویسد:

مَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ مَدَّثَنِي أَبِي ثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ ثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ يَعْنِي بَنَ مُسْلِمٍ مَدَّثَنِي يَزِيدُ يَعْنِي بَنَ أَبِي زَيْدٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ فَائِدٍ

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَمِيرٍ عَشْرَةَ إِلَّا يُؤْتَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَخْلُوعًا لَا يَفْكُهُ

مِنْهَا إِلَّا عَذْلُهُ وَمَا مِنْ رَجُلٍ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ إِلَّا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْذَمًا .

عبادة بن صامت از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن مضرت فرمود: هیچ امیر قومی نیست؛ مگر این که در روز قیامت دست بسته او را می آورند، هیچ چیز نمی تواند او را آزاد کند؛ مگر عدالتش . و هیچ مردی نیست که قرآن را یاد بگیرد و سپس فراموش کند؛ مگر این که در روز قیامت خدا را در حالی ملاقات می کند که گرفتار بیماری جذام است .

الشیبانی، ابوعبدالله أحمد بن حنبل (متوفای 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 5 ص 323، ح 22810، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

طبق این روایات که به گفته مناوی سند آن نیز «حسن» است، نعوذ بالله باید رسول خدا در قیامت در حالی خداوند را ملاقات خواهد کرد که دچار بیماری جذام است و یا دستانش قطع شده است!!!

اگر این طور نیست، چرا در بخاری و مسلم به پیامبر خدا تهمت زده شده است که او آیات قرآن را فراموش می کرد؟ ترمذی و ابوداود در سنن شان نقل کرده اند:

مَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ الْمَكَمِ الْوَرَّاقُ الْبُضْدِيُّ مَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ بِنِ بْنِ بُرَيْجٍ عَنِ الْمُطَّلِبِ بْنِ مَنطَبٍ عَنِ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُرِضَتْ عَلَيَّ أُجُورُ أُمَّتِي مَتَى الْقَدَاةُ يُفْرَبُهَا الرَّبْلُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَعُرِضَتْ عَلَيَّ ذُنُوبُ أُمَّتِي فَلَمْ أَرْ ذَنْبًا أَعْظَمَ مِنْ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أُوتِيَهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا.

أنس بن مالک از رسول خدا (ص) نقل کرده است که فرمود: (زمانی که در معراج بودم) پادشاهای امتم بر من عرضه شد؛ متی پادشاه شفصی که کثیفی را از مسجد خارج می کند و همچنین گناهان امتم بر من عرضه شد، پس گناهی بزرگتر از این که سوره و یا آیه ای را به شفصی (یاد) بدهند و او آن را فراموش کند، ندیدم.

الترمذی السلمي، ابوعیسی محمد بن عیسی (متوفای 279هـ)، سنن الترمذی، ج 5 ص 2915، ح 2916، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

السجستانی الأزدی، ابوداود سلیمان بن الأشعث (متوفای 275هـ)، سنن أبی داود، ج 1 ص 116، ح 461، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، ناشر: دار الفکر.

و طبق این روایت، باید اهل سنت قائل باشند که نعوذ بالله رسول خدا گناهی را مرتکب شده است که خودش در معراج گناهی بزرگتر از آن را ندیده است!!! .

ابو نصر مروزی در مختصر قیام اللیل نوشته است :

مَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَمِيٍّ ، مَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّنَعَانِيُّ ، ثنا ابن جريج ، قال : قال أنس رضي الله عنه إن رسول الله

صلى الله عليه وسلم قال : «إن من أكبر ذنبي توافي به أمتي يوم القيامة لسورة من كتاب الله مع أمدهم فنسيها»

از بزرگترین گناهانی که امت من در قیامت با آن روبرو می شوند، سوره ای از کتاب خدا است که با یکی از آن ها بوده (مفقا کرده بوده) و سپس فراموش کرده است.

المُرُوَزِي، أبو عبد الله محمد بن نصر بن الحجاج (متوفى 294هـ) مختصر قيام الليل ج 1 ص 276، طبق برنامه الجامع الكبير.

همین روایت را قاسم بن سلام از ابن جریج از سلمان فارسی نقل کرده است :

قال ابن جریج : ومدت عن سلمان الفارسی ، أنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « من أكبر ذنب توافى به

أمتی يوم القيامة سورة من كتاب الله كانت مع أمدهم فَنَسِيهَا »

البغدادي، ابو عبید القاسم بن سلام (متوفى 224هـ)، فضائل القرآن، ج 1 ص 311، طبق برنامه الجامع الكبير.

ابن حجز عسقلانی در فتح الباری می نویسد:

ومن طریق أبي العالیة موقوفا كنا نعد من أعظم الذنوب أن يتعلم الرجل القرآن ثم ينام عنه متى ينسأه وإسناده جيد

ومن طریق بن سيرین بإسناد صمیم فی الذی ینسی القرآن كانوا یكروهونه ویقولون فیہ قولا شديدا .

از طریق ابو العالیة به صورت موقوف نقل شده است که : بزرگترین گناه در نزد ما این بود که مردی قرآن را یاد بگیرد،

سپس بفراموشی و آن را فراموش کند. سند این روایت خوب است . و از طریق ابن سیرین با سند صمیم در باره کسی که

قرآن را فراموش می کند نقل شده است که آن ها از این کار بدشان می آمد و در باره آن سفت گیری می کردند.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 9 ص 86، تحقیق: محب الدین الخطیب،

ناشر: دار المعرفة - بیروت.

ابن عربی مالکی در مذمت فراموش کردن قرآن می نویسد:

وورد فی الفبر فیمن مفظ آیه ثم نسيتها عذبه الله يوم القيامة عذاباً لا يعذبه أمداً من العلمین.

روایت وارد شده است که اگر کسی آیه ای از قرآن را مفظ و سپس آن را فراموش کند، خداوند او را در قیامت عذابی

فواهد کرد که هیچ یک از جهانیان را آن پیمان عذاب نکرده است.

ابن العربی الطائی الخاتمی ، محیی الدین بن علی بن محمد (متوفى 638هـ)، الفتوحات المکیة فی معرفة الاسرار المکیة ، ج 4 ص 208،

ناشر : دار إحياء التراث العربی - لبنان ، الطبعة : الأولى 1418هـ - 1998م.

باید از ابن عربی سؤال کرد که نظر شما در باره فراموش کردن قرآن توسط رسول خدا صلی الله علیه وآله چیست؟ آیا او هم در قیامت این

چنین عذابی خواهد شد یا روایتی که بخاری و مسلم نقل کرده دروغ و تهمت محض است ؟

ابن أبی شیبہ می نویسد :

مدتاً وكيع عن إبراهيم بن يزيد عن الوليد بن عبد الله بن أبي مغيث قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عرضت على

الذنوب فلم أر فيها شيئاً أعظم من هامل القرآن وتاركه.

گناهان بر من عرضه شد، پس ندیده گناهی بزرگتر از این که شفصی مامل قرآن باشد و سپس آن را ترک کند (ما فظا باشد و دو باره فراموش کند).

ابن ابی شیبۀ الکوفی، ابوبکر عبد الله بن محمد (متوفای 235 هـ)، کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، ج 6 ص 124، ح 29998، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ناشر: مکتبۃ الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409 هـ.

و در روایت دیگر نقل می‌کند:

مدتًا وکیع عن سفیان عن عبد الکریم بن أبی أمیة عن طلق بن مبيب قال من تعلم القرآن ثم نسیه من غیر عذر ما عنه بكل آیه درجه و جاء یوم القیامة مخصوما .

طلق بن مبيب گفته: هر کس قرآن را یاد بگیرد و سپس آن را فراموش کند، در حالی که عذری ندارد، به خاطر هر آیه‌ای که فراموش کرده، یک درجه از مقامش کم می‌شود و در حالی وارد قیامت می‌شود که مکتوم است.

مصنف ابن ابی شیبۀ ج 6 ص 124، ح 29997

و بزرگان اهل سنت به نقل از ضحاک بن مزاحم نقل کرده‌اند که او فراموش کردن قرآن را بزرگترین مصیبت و نتیجه گناهان قاری قرآن دانسته است :

مدتًا عبد الله بن المبارک ، عن عبد العزیز بن أبی رواد ، قال : سمعت الضمک بن مزاحم ، یقول : «ما من أمد تعلم القرآن ثم نسیه إلا بذنب یمدته ؛ لأن الله یقول : وما أمابکم من مصیبة فبما کسبت أیدیکم وإن نسیان القرآن من أعظم المصائب».

عبد العزیز بن أبی رواد گوید که از ضماک بن مزاحم شنیدم که می‌گفت: کسی نیست که قرآن را یاد بگیرد و سپس فراموش کند؛ مگر به خاطر گناهی است که از او سر زده است؛ چرا که خداوند می‌فرماید: «هر مصیبتی به شما رسد بفاطر اعمالی است که انجام داده‌اید» و فراموش کردن قرآن از بزرگترین مصیبت‌ها است .

البغدادی، ابو عبید القاسم بن سلام (متوفای 224 هـ)، فضائل القرآن، ج 1 ص 314، طبق برنامه الجامع الکبیر.

المرزوی، أبو عبد الله عبد الله بن المبارک بن واضح (متوفای 181 هـ)، الزهد، ج 1 ص 28، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی ، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت.

البیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی ابوبکر (متوفای 458 هـ)، شعب الإیمان، ج 2 ص 334، تحقیق: محمد السعید بسیونی زغلول، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1410 هـ.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای 774 هـ)، فضائل القرآن، ج 1 ص 138، ناشر: دار المعرفة - بیروت، الطبعة: الثانية، 1407 هـ - 1987 م.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 9 ص 86، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

و أبو عیبید قاسم بن سلام می نویسد:

مَدَّثَنَا أَبُو معاويةَ ، عن الأعمش ، عن إبراهيم ، قال : قال عبد الله : « إني لأمقت القارئ أن أراه سميًا نسيًا للقرآن »

عبد الله بن مسعود گفت: من بدم می آید از قاری قرآنی که ببینم او را در حالی که چاق شده و قرآن را فراموش کرده است.

البغدادی، ابو عبید القاسم بن سلام (متوفای 224 هـ)، فضائل القرآن، ج 1 ص 313، طبق برنامه الجامع الكبير.

الأصبهانی، ابونعیم أحمد بن عبد الله (متوفای 430 هـ)، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ج 4 ص 227، ناشر: دار الكتاب العربی - بیروت، الطبعة: الرابعة، 1405 هـ.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای 774 هـ)، فضائل القرآن، ج 1 ص 138، ناشر: دار المعرفة - بیروت، ، الطبعة: الثانية، 1407 هـ - 1987 م.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية، ج 14 ص 413، تحقیق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزیز الشتری، ناشر: دار العاصمة/ دار الغیث، الطبعة: الأولى، السعودية - 1419 هـ .

از اینها مهمتر روایاتی است که ثابت می کند برخی از اصحاب با معجزه رسول خدا صلی الله علیه وآله هرگز قرآن را فراموش نکردند. طبرانی در معجم الكبير می نویسد:

مَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِيزِ التَّسْتَرِيُّ ثنا أَبُو هُفَصٍ عَمْرُو بْنُ عَلِيٍّ ثنا عبد الأعلى ثنا عبد الله بن عبد الرحمن الطائفيُّ عن عبد الله

بن المَكَمِ عن عُثْمَانَ بْنِ بَشْرٍ قال سمعت عُثْمَانَ بْنَ أَبِي الْعَاصِ يقول شكوتُ إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم نسيانَ

القرآنِ فَضَرَبَ مَدْرِي بيده فقال يا شَيْطَانَ ائْرِجْ من صَدْرِ عُثْمَانَ قال عُثْمَانَ فما نَسِيتُ منه شيئاً بَعْدَ أُمَّبِتْ أَنْ أَدْكُرَهُ

عُثْمَانَ بن أبي العاص می گفت: پیش رسول خدا (ص) از فراموش کردن قرآن شکایت کردم، پس آن مضرت با دست به

سینه من زد و گفت: ای شیطان از سینه عثمان خارج شود . عثمان گفت: پس آن هرگز چیزی را فراموش نکردم.

الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب (متوفای 360 هـ)، المعجم الكبير، ج 9 ص 47، ح 8347، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، ناشر: مكتبة الزهراء - الموصل، الطبعة: الثانية، 1404 هـ - 1983 م.

هیثمی بعد از نقل این روایت می گوید:

رواه الطبرانی وفيه عثمان بن بشر وله أعرفه وبقية رجاله ثقات

این روایت را طبرانی نقل کرده، در سند آن عثمان بشر است که من او را نمی شناسم؛ ولی سایر راویان همگی

مورد اعتماد هستند.

الهیثمی، ابوالحسن علی بن ابی بکر (متوفای 807 هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج 9 ص 3، ناشر: دار الریان للتراث/ دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407 هـ.

عثمان بن بشر که هیثمی او را نشناخته، توسط ابن ابی حاتم رازی توثیق شده است:

عثمان بن بشر الطائفی الثقفی (روی عن بشر بن عاصم و عبد الله بن ابی شدید سمع منه سلیم سمعت ابی یقول ذلك نا عبد الرمن قال ذكره ابی عن إسماعق بن منصور عن یمی بن معین انه قال عثمان بن بشر الثقفی ثقة.
عثمان بن بشر، از بشر بن عاصم و عبد الله بن ابی، زیاد روایت شنیده است ... از یمی بن معین نقل شده است که عثمان بن بشر سقفی ثقة است .

الجرح والتعديل ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن ابی حاتم محمد بن إدريس أبو محمد الرازی التمیمی ، ج 6، ص 145، رقم: 789 ، دار النشر : دار إحياء التراث العربی - بیروت - 1271 - 1952 ، الطبعة : الأولى

ابو عثمان جاحظ در کتاب البرصان و العرجان نوشته است :

ومن الأشراف أيضاً عثمان بن ابی العاص وإليه يضاف شط عثمان، شكاً إلى النبي صلى الله عليه وسلم نسيان القرآن فتفل في فيه فكان بعد ذلك لا ينسى ما مفظ منه.

عثمان بن ابی العاص به رسول خدا (ص) از فراموش کردن قرآن شکایت کرد؛ پس رسول خدا آب دهانش را به دهان او انداخت، پس از آن ، چیزی از آن چه را مفظ کرد، فراموش ننمود.

الجاحظ، ابی عثمان عمرو بن بحر (متوفای 255 هـ)، البرصان والعرجان ، ج 1 ص 48، طبق برنامه الجامع الكبير .

بزار در مسند خود نقل کرده است:

وأفبرناه ممد بن معمر والمسند بن عثمان قالاً أفبرنا يعلى بن عبيد عن سفیان الثوري قال مدثني يزيد أبو خالد عن إبراهيم يعني السكسكي عن ابن ابی أوفى رضی الله عنه قال جاء رجل إلى النبي فشكى إليه نسيان القرآن فقال علمني شيئاً يجزئني فقال: (قل بسم الله والممد لله ولا إله إلا الله والله أكبر ولا حول ولا قوة إلا بالله ...)

از ابن ابی اوفی نقل شده است که مردی پیش رسول خدا (ص) آمد و از فراموش کردن قرآن شکایت کرد و گفت: به من چیزی یاد بده که مرا کفایت کند (از این پس فراموش نکنم) ، رسول خدا (ص) فرمود: بگو : بسم الله و ...

البزار، ابوبکر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای 292 هـ)، البحر الزخار (مسند البزار)، ج 8 ص 280، ح 3347، تحقیق: د. محفوظ الرحمن زین الله، ناشر: مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم - بیروت، المدينة الطبعة: الأولى، 1409 هـ.

و عجیب است که صاحب معجزه و درمان کننده دیگران، خود، قرآن را فراموش می کرده است!

آیا این مسأله شما را به یاد این ضرب المثل مشهور نمی اندازد که :

کل اگر طبیب بودی، سر خود دوا نمودی

فراموش کردن از گناهان کبیره است:

بسیاری علمای اهل سنت صراحتاً فتوا داده‌اند که فراموش کردن آیات قرآن از گناهان کبیره است. ما به صورت مختصر به نام و گفتار 22 نفر از بزرگان تاریخ فقه اهل سنت بر اساس تاریخ وفاتشان از مذاهب مختلف اشاره خواهیم کرد:

1. أبو المکارم الرویانی الشافعی (متوفای 523هـ):

ابو المکارم رویانی، از بزرگان تاریخ شافعی‌ها صراحتاً فتوا داده است که فراموش کردن قرآن از گناهان کبیره است. زین الدین عراقی در طرح التثریب می‌نویسد:

وقد ذکر صاحب العدة وهو أبو المکارم الرویانی من أصمابنا أن نسیان القرآن من الكبائر.

ابو المکارم رویانی، صاحب کتاب عده که از اصماب ما (شافعی‌ها) است، گفته: فراموش کردن قرآن از گناهان

کبیره است.

العراقی، أبو الفضل زین الدین عبد الرحیم بن الحسین (متوفای 806هـ)، طرح التثریب فی شرح التقریب، ج 3 ص 93، تحقیق:

عبد القادر محمد علی، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، 2000م.

ابن حجر عسقلانی، گفتار ابوالمکارم رویانی و دلیل او را این گونه توضیح می‌دهد:

وقد قال به من الشافعیة أبو المکارم والرویانی وامتج بان الأعراض عن التلاوة یتسبب عنه نسیان القرآن ونسیانه یدل

على عدم الاعتناء به والتهاون بأمره.

از جمله قائلین به این دیدگاه (کبیره بودن نسیان قرآن) ابوالمکارم رویانی از شافعی‌ها است. ایشان استدلال کرده است

که: فووداری از تلاوت قرآن منجر به فراموش کردن آن می‌شود، فراموش کردن قرآن نشانه عدم اعتناء به قرآن و سستی

در امر قرآن است.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 9 ص 86، تحقیق: محب الدین

الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

2. ابوالفرج ابن الجوزی (متوفای 597 هـ):

الباب التاسع والعشرون فی التمزیر من العقوبات

اعلم أن العقوبة تفتل فتارة تتعجل وتارة تتأخر وتارة يظهر أثرها وتارة يفى

وأطرف العقوبات مالا يمس بها المعاقب وأشدها العقوبة بسلب الايمان والمعرفة ودون ذلك موت القلوب وممو لذة

المناجاة منه وقوة المرض على الذنب ونسيان القرآن وإهمال الإستغفار ونمو ذلك مما ضرره فى الدين.

باب 29 در باره ترساندن از عقوبات است:

بدان که عقوبت‌ها مختلف هستند، گاهی سریع اجرا می‌شود و گاهی به تأخیر می‌افتد، گاهی اثرش آشکار می‌شود و گاهی

مخفی است. سریعترین عقوبت آن است که شفص عقوبت شونده آن را احساس نکند، شدیدترین آن عقوبتی است که

ایمان و معرفت را از او سلب کند، در مرتبه کمتر از آن مردن قلب، از بین رفتن لذت مناجات با خداوند، زیاد شدن مرض

بر گناه، فراموش کردن قرآن، سستی در استغفار و همانند آن از چیزهای است که به دین ضرر می‌زند.

ابن الجوزی الحنبلی، جمال الدین ابوالفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد (متوفای 597 هـ)، ذم الهوى، ج 1 ص 210، تحقیق:

مصطفی عبد الواحد، 1962.

3. أبو عبد الله القرطبي (متوفای 671هـ):

ابن حجر عسقلانی نقل از قرطبی تفسیر پرداز شهیر اهل سنت می‌نویسد:

وقال القرطبي من مفا القرآن أو بعضه فقد علت رتبته بالنسبة إلى من لم يمفظه فإذا أقل بهذه الرتبة الدينية متى

تزمع عنها ناسب أن يعاقب على ذلك فان ترك معاهدة القرآن يفضى إلى الرجوع إلى الجهل والرجوع إلى الجهل بعد

العلم شديد.

قرطبی گفته: هر کس (تمام) قرآن و یا بعضی از آن را مفا کند، مقامش نسبت به کسانی که آن مفا نکرده بالاتر

می‌رود؛ پس زمانی که در این رتبه دینی فلی ایجاد کند؛ به طوری که از این رتبه دور شود، سزاوار است که به فاطر آن

عقاب شود؛ چرا که ترک مواظبت قرآن به بازگشت به جهل منجر می‌شود و بازگشت به جهل بعد از علم، کار بدی است.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 9 ص 86، تحقیق:

محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

همین مطلب را علامه مناوی از قرطبی نقل کرده است:

المناوی، محمد عبد الرؤوف بن علی بن زین العابدین (متوفای 1031 هـ)، فیض التقدير شرح الجامع الصغير، ج 4 ص 313،

ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، 1356 هـ.

ابن حجر هیثمی گفتار قرطبی را به این صورت نقل کرده است:

ومنها قال القرطبي لا يقال مفضا جميع القرآن ليس واجبا على الأعيان فكيف يذم من تخافل عن مفظه لأننا نقول من جمعه فقد علت رتبته وشرف في نفسه وقومه وكيف لا ومن مفظه فقد أدرجت النبوة بين جنبيه وصار ممن يقال فيه هو من أهل الله وفاصته فإذا كان كذلك فمن المناسب تخليط العقوبة على من أفل بمرتبته الدينية ومؤافذته بما لا يؤافذ به غيره وترى معاهدة القرآن يؤدي إلى الجهالة انتهى.

یکی از آن‌ها (دلایل کبیره بودن نسیان قرآن) گفتار قرطبی است که : گفته نشود که مفضا تمام قرآن بر بزرگان واجب نیست، چگونه واجب نباشد در حالی که هر کس از مفضا آن غفلت کند، مذمت شده است؛ چرا که ما می‌گوییم: هر کس قرآن را جمع کند (تمامش را مفضا کند) مقام و شرافت خود او وقوش بالا می‌رود. چرا این که گونه نباشد؛ در حالی که هر کس قرآن را مفضا کند، نبوت را در میان سینه‌اش ذفیره کرده و از کسانی شده که به آن‌ها «اهل الله» و مقربان درگاه الهی گفته می‌شود . وقتی این گونه هست، پس اگر کسی به این مقام دینی خللی وارد کند، شایسته است که عقوبت او تشدید شود و طوری بازخواست شود که کس دیگری بازخواست نشده است .

الهیتمی، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر (متوفای 973هـ)، الزواجر عن اقتراف الكبائر ، ج 1 ص 233 ، تحقیق : تم التحقیق والاعداد بمركز الدراسات والبحوث بمکتبة نزار مصطفى الباز ، ناشر : المکتبة العصرية - لبنان / صیدا - بیروت ، الطبعة : الثانية ، 1420هـ - 1999م .

4. محیی الدین نووی (متوفای 676 هـ):

ومما عد من الكبائر الظهار وأكل لحم الفنزير والميتة بلا عذر ... وترك الأمر بالمعروف على إطلاقهما ونسيان القرآن وإمراق مطلق الميوان

چیزهایی که گناه کبیره شمرده شده‌اند، عبارتند از : ظهار، خوردن گوشت فوک و مردار بدون عذر، ترک امر به معروف، فراموش کردن قرآن، آتش زدن مطلق میوانات و

النووی الشافعی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعه بن حزام (متوفای 676 هـ)، روضة الطالبین وعمدة المفتین ، ج 11 ص 223 ، ناشر : المکتب الإسلامی - بیروت ، الطبعة : الثانية 1405هـ .

5. ابن تیمیه حرانی (متوفای 728 هـ):

مسألة 183 : فی رجل يتلو القرآن مفاة النسيان ، ورجاء الثواب فهل يؤجر على قراءته للدراسة ومفاة النسيان أم لا وقد ذكر رجل ممن ينسب إلى العلم أن القارئ إذا قرأ للدراسة مفاة النسيان أنه لا يؤجر فهل قوله صحيح أم لا؟

الجواب بل إذا قرأ القرآن لله - تعالى - فإنه يثاب على ذلك بكل حال ، ولو قصد بقراءته أنه يقرؤه لئلا ينساه فإن نسيان القرآن من الذنوب فإذا قصد بالقراءة أداء الواجب عليه من دوام حفظه للقرآن ، واجتناب ما نهى عنه من إهماله متى ينساه فقد قصد طاعة الله فكيف لا يثاب

وفى الصميمين : عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال : استذكروا القرآن فلهو أشد تقصيا من صدور الرجال من النعم من عقلها ، وقال صلى الله عليه وسلم : عرضت على سيئات أمتي فرأيت من مساوئ أعمالها الرجل يؤتيه الله آية من القرآن فينأى عنها متى ينساها ،

مسألة 183 در باره مردی که به خاطر ترس از فراموش کردن و به امید ثواب، قرآن می‌خواند، آیا چنین شخصی برای این قرآن خواندنش که به منظور تدریس و یا عدم فراموشی بوده، پاداش می‌برد یا خیر؟ مردی که او را از اهل علم می‌دانند، گفته است اگر شخصی برای تدریس و یا ترس از فراموش کردن قرآن بخواند، پاداش ندارد، آیا این گفته او صحیح است یا خیر؟

پاسخ: در هر صورت اگر کسی به خاطر خداوند قرآن بخواند، پاداش می‌برد؛ اگر چه به خاطر ترس از فراموش کردن قرآن بخواند؛ چرا که فراموش کردن قرآن از گناهان محسوب می‌شود؛ پس اگر کسی به خاطر ادای یک امر واجب که همان تداوم حفظ قرآن است، یا به خاطر دوری کردن از پیزی که خداوند نهی کرده که همان سستی در حفظ قرآن و فراموش کردن آن است، قرآن بخواند، هدف او اطاعت از خداوند است؛ پس چگونه پاداش نبرد؟ در صمیمین (بخاری و مسلم) از رسول خدا (ص) نقل شده است که آن مضرت فرمود: «زیاد قرآن بخواند؛ چرا که شدت دور شدن قرآن از سینه‌های مردم، از دور شدن چارپا از بند است». و همچنین فرمود: «گناهان اتم بر من ارائه شد، دیدم که پیزی با تمام گناهان او برابری می‌کند و آن این که : خداوند آیه‌ای به بنده‌اش می‌دهد، پس او می‌فواصد و آن را فراموش می‌کند».

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحليم (متوفای 728 هـ)، الفتاوی الکبری لشیخ الإسلام ابن تیمیة، ج 1 ص 260، تحقیق: قدم له حسنین محمد مخلوف، ناشر: دار المعرفة - بیروت .

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحليم (متوفای 728 هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، ج 13 ص 423، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية.

6. علاء الدین البخاری (متوفای 730 هـ):

قال الشيخ رحمه الله إنما يصير النسيان عذرا في حق الشرع إذا لم يكن غفلة فأما إذا كان عن غفلة فلا يكون عذرا كما في حق آدم عليه السلام وكنسيان المرء ما مفظه مع قدرته على تذكره بالتكرار فإنه إنما يقع فيه بتقصيره فيصلح سببا للعتاب ولهذا يستحق الوعيد من نسي القرآن بعدما مفظه مع قدرته على التذكر بالتكرار.

شیخ (بزدوی) گفته است: فراموشی در صورتی از نظر شرع عذر مسموب می‌شود که از روی غفلت نباشد؛ اما اگر از روی غفلت باشد، عذر مسموب نمی‌شود؛ چنانچه در باره آدم این چنین بوده است و مثل فراموش کردن چیز مفظ شده‌ای که قدرت بر یادآوری و تکرار آن وجود دارد، که اگر این کار را نکند، مقصر است و شایسته سرزنش است. به همین خاطر کسی که قرآن را مفظ و سپس فراموش کند، با این که قدرت بر یادآوری و تکرار دارد، وعده عذاب داده شده است.

البخاری، علاء الدین عبد العزیز بن أحمد (متوفای 730 هـ)، کشف الأسرار عن أصول فخر الإسلام البزدوی، ج 4 ص 389، تحقیق: عبد الله محمود محمد عمر، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1418 هـ - 1997 م.

7. أبو حیان الأندلسی (متوفای 745 هـ):

وَمِنَ الْمُنْتَوَصِّ عَلَيْهِ الْقَتْلُ وَالزُّنَا وَاللَّوْاطُ وَشُرْبُ الْخَمْرِ ... وَالرَّبَّا وَتَرْكُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالذَّهْيُ عَنِ الْمُنْتَكِرِ وَنَسْيَانُ الْقُرْآنِ بَعْدَ مِظْطِهِ وَإِمْرَاقُ الْمَيِّهَانِ بِالنَّارِ ...

از گناهان کبیره که نص در باره آن وجود دارد: کشتن، زنا، لواط، شرب خمر و ... ربا، ترک امر به معروف و نهی از منکر، فراموش کردن قرآن بعد از مفظ کردن آن، آتش زدن میوهان و ... است.

أبي حيان الأندلسي، محمد بن يوسف (متوفای 745 هـ)، تفسير البحر المحيط، ج 3 ص 336، تحقیق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ على محمد معوض، شارک فی التحقيق (1) د. زکریا عبد المجید التوقی (2) د. أحمد النجولی الجمل، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001 م.

8. ابن کثیر دمشقی سلفی (متوفای 774 هـ):

ابن کثیر دمشقی سلفی بعد از نقل روایات متعددی در باره پاداش زیاد خواندن قرآن می‌گوید:

ومضمون هذه الأماديث الترغيب في كثرة تلاوة القرآن واستذكاره وتعاهده لئلا يعرضه مافظة للنسيان، فإن ذلك فطأ كبير نسأل الله العافية منه.

مضمون این احادیث، تشویق به زیاد خواندن و به خاطر سپردن قرآن و مواظبت از آن است تا آن چه را حفظ کرده، فراموش نکند؛ چرا که این کار گناه بزرگی است که از خداوند می‌خواهیم ما را از آن حفظ کند.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای 774هـ)، فضائل القرآن، ج 1 ص 135، ناشر: دار المعرفة - بیروت، الطبعة: الثانية، 1407هـ - 1987م.

و در تفسیر خود در شمارش گناهان کبیره می‌گوید:

...ومنع الزكاة وترك الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر مع القدرة ونسيان القرآن بعد تعلمه وإمراق الميوان بالنار....

ندادن زکات، ترک امر به معروف و نهی از منکر با وجود توان، فراموش کردن قرآن بعد از یاد گرفتن آن، آتش زدن

میوان و ...

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای 774هـ)، تفسیر القرآن العظیم، ج 1 ص 488، ناشر: دار الفکر - بیروت - 1401هـ.

9. أبو بكر الزبيدي اليمنى (متوفای 800هـ):

وَالكَبِيرَةُ مَا كَانَتْ مَرَامًا مَفْضًا شُرِعَ عَلَيْهَا عُقُوبَةٌ مَخْفِيَةٌ بِنَصِّ قَاطِعٍ ... وَتَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا وَمَنَعَ الزَّكَاةَ وَنَسِيَ الْقُرْآنَ
وَسَبَّ الصَّالِحِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ .

کبیره، آن گناهی است که به صورت مطلق مرام باشد و در شرع برای آن مجازات تعیین شده باشد و این مسأله با نص

قاطع ثابت شود: ... ترک عمدی نماز، ندادن زکات، فراموش کردن قرآن و سب صالحان است.

الزبيدي اليمنى أبو بكر بن علي بن محمد الحدادی، (متوفای 800هـ) الجوهرة النيرة، ج 5 ص 456، طبق برنامه الجامع الكبير .

10. ابن حجر هيثمي (متوفای 973هـ):

ابن حجر هيثمي در کتاب الزواجر عن اقواف الكبائر، آن را یکی از گناهان کبیره و بزرگترین گناهی که ممکن است برگردن مسلمانی باشد، دانسته است:

الكبيرة الثامنة والستون نسيان القرآن أو آية منه بل أو حرف.

وَأُفْرَجَ مِمْدَ بَنِ نَصْرٍ عَنْ أَنَسٍ أَنَّهُ (ص) قَالَ إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ ذُنُوبِ تَوَافِي بِهِ أَمْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِسُورَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَتْ مَعَ

أَمْدِهِمْ فَنَسِيَهَا.

کبیره شصت و هشتم: فراموش کردن (کل) قرآن یا آیه و یا حتی یک حرف از آن است.

محمّد بن نصر از آنس نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: بزرگترین گناهی که در روز قیامت با آن امتم را ملاقات می‌کنم، این است که: سوره‌ای به همراه یکی از امتم بوده و سپس آن را فراموش کرده است.

الهیثمی، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر (متوفای 973هـ)، الزواجر عن اقتراف الكبائر، ج 1 ص 231، تحقیق: تم تحقیق والاعداد بمرکز الدراسات والبحوث بمکتبة نزار مصطفى الباز، ناشر: المکتبة العصرية - لبنان / صیدا - بیروت، الطبعة: الثانية، 1420هـ - 1999م .

11. انصاری الشافعی (متوفای 926هـ):

وَنَسِيَانُهُ كَبِيرَةٌ وَكَذَا نَسِيَانُ شَيْءٍ مِنْهُ لِمَنْ عَرِضَتْ عَلَيْهِ ذُنُوبُ أُمَّتِي فَلَمْ أَرْ ذَنْبًا أَكْبَرَ مِنْ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أُوتِيَهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا وَفَرَّ مِنَ الْقُرْآنِ ثُمَّ نَسِيَهُ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْزَمَ رَوَاهُمَا أَبُو دَاوُدَ

فراموش کردن (کل) قرآن گناه کبیره است و این چنین است فراموش کردن بعضی از آن به دلیل روایت: گناهان امتم بر من عرضه شد؛ پس ندیدم گناهی بزرگتر از این که ...

الأنصاری الشافعی، أبو یحیی زکریا (متوفای 926هـ)، أسنى المطالب فی شرح روض الطالب، ج 1 ص 64، تحقیق: د. محمد محمد تامر، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2000

12. خطیب الشربینی (متوفای 977هـ):

خطیب شربینی از کسانی است که شدیداً طرفدار کبیره بودن فراموشی قرآن است و این مطلب را در کتاب‌های متعدد خود آورده و تأکید کرده است. وی در کتاب الإقناع می‌گوید:

القول فی مکم القرآن ونسیانه ویمره تفسیر القرآن بلا علم ونسیانه أو شیء منه کبیرة.

سفن در باره مکم قرآن و فراموش کردن و تفسیر بدون دانش آن: فراموش کردن (کل) قرآن یا برفی از (آیات) آن، گناه کبیره است.

الشربینی الخطیب الشافعی، شمس الدین محمد (متوفای 977هـ)، الإقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع، ج 1 ص 105، تحقیق: مکتب البحوث والدراسات - دار الفکر، ناشر: دار الفکر - بیروت - 1415هـ.

و در جای دیگر می‌نویسد:

فمن الأول تقدیم الصلاة أو تأفیرها عن وقتها بلا عذر ومنع الزکاة وترک الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر مع القدرة ونسیان القرآن والیأس من رهمه الله .

قسم اول از گناهان کبیره : زود فواندن یا دیر فواندن بدون عذر ، ندادن زکات، ترک امر به معروف و نهی از منکر با داشتن

توان، فراموش کردن قرآن، نا امیدی از رحمت خداوند و ...

الإقناع للشربینی ج 2 ص 633

و در معنی المحتاج در هنگام شمردن گناهان کبیره می‌گوید:

ونسیانه أو شیء منه کبیره .

فراموش کردن (کل) قرآن یا چیزی از آن (برفی از آیات آن) از گناهان کبیره است

الشربینی الخطیب الشافعی ، شمس الدین محمد (متوفای 977هـ) ، معنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، ج 1 ص 39،

ناشر: دار الفكر - بیروت.

و در جای دیگر از همین کتاب و باز در هنگام شمارش گناهان کبیره می‌نویسد:

وترک الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر مع القدرة ونسیان القرآن والیأس من رممء الله

ترک امر به معروف و نهی از منکر با داشتن قدرت، فراموش کردن قرآن، نا امیدی از رحمت خداوند و ...

معنی المحتاج ج 4 ص 427

13. **رملی الشافعی (متوفای 1004هـ):**

رملی شافعی نیز با شمارش گناهان کبیره می‌گوید:

ونسیانه کبیره موضعه إذا کان نسیانه تهاونا وتکاسلا.

یکی از گناهان کبیره فراموش کردن چیزی از قرآن است؛ در صورتی از به خاطر اهمیت ندادن و سستی باشد .

الرملی الشوبری الشافعی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن حمزة (متوفای 1004هـ)، حاشیة الرملی ج 1 ص 64 ، طبق برنامه الجامع الکبیر.

14. **جلال الدین سیوطی:**

نسیانه کبیره صرح به النووی فی الروضة وغیرها لمدیث أبی داود وغیره عرضت علی ذنوب امتی فلم أر ذنبا أعظم من سورة

من القرآن أو آیه أو آتیها (جل ثم نسیها).

فراموش کردن قرآن کبیره است . نووی در کتاب الروضة و دیگر کتاب‌هاش به آن تصریح کرده است. به دلیل روایت أبی

داود و دیگران که (رسول خدا فرمود : گناهان امتم بر من عرضه شد ...

السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای 911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن، ج 1 ص 279، تحقیق: سعید المندوب،

ناشر: دار الفكر - لبنان، الطبعة: الأولى، 1416هـ - 1996م.

15. عبد الرؤوف مناوی (متوفای 1031هـ):

عبد الرؤوف مناوی در دو کتاب تصریح کرده است که فراموش کردن قرآن از گناهان کبیره است. در کتاب التیسیر می‌نویسد:
ونسیان القرآن بعد مفظه کبیره .

فراموش کردن قرآن بعد از مفظ آن، از گناهان کبیره است .

المناوی، محمد عبد الرؤوف بن علی بن زین العابدین (متوفای 1031هـ)، التیسیر بشرح الجامع الصغیر، ج 1 ص 146، ناشر:
مکتبه الإمام الشافعی - الرياض، الطبعة: الثالثة، 1408هـ - 1988م.

و در فیض القدير می‌نویسد:

ونسیان القرآن کبیره .

فراموش کردن قرآن گناه کبیره است .

المناوی، محمد عبد الرؤوف بن علی بن زین العابدین (متوفای 1031هـ)، فیض القدير شرح الجامع الصغیر، ج 1 ص 489،
ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، 1356هـ.

16. بهوتی الحنبلی (متوفای 1051هـ):

(ویمرحم) تأفیر الفتم فوق أربعین (إن فاف نسیانه قال) الإمام (أحمد ما أشد ما جاء فیمن مفظه ثم نسیه..).

تأفیر انداختن فتم قران بیش از چهل روز مرام است، در صورتی که از فراموش شدن آن بترسد . امام احمد گفته : چه
مجازات‌های سفتی وارد شده در باره کسی که قرآن را مفظ کند و سپس آن را فراموش نماید .

البهوتی الحنبلی، منصور بن یونس بن إدريس (متوفای 1051هـ)، كشاف القناع عن متن الإقناع وهي تعلیقه علی متن وهو كتاب الإقناع
للحجاوی الصالحی ، ج 1 ص 430، ناشر: تحقیق: هلال مصیلحی مصطفی هلال، دار الفكر - بیروت - 1402هـ.

17. أبو سعید الخادمی (متوفای 1156هـ):

(وَمِنْهَا نَسِيَانُ الْقُرْآنِ بَعْدَ تَعَلُّمِهِ) ... لِأَنَّهُ إِنَّمَا نَسِيَ عَنْ تَشَاغُلِهِ عَنْهَا بَلْهُوَ أَوْ فُضُولٍ أَوْ لِاسْتِفْافَةٍ بِهَا وَتَهَاوُنٍ بِشَأْنِهَا

وَعَدَمِ اهْتِرَامِهِ لِأَمْرِهَا فَيَعْظُمُ ذَنْبُهُ عِنْدَ اللَّهِ لِاسْتِهْانَةِ الْعَبْدِ لَهُ بِإِعْرَاضِهِ عَنْ كَلَامِهِ ، وَفِيهِ أَنَّ نَسِيَانَ الْقُرْآنِ كَبِيرَةٌ وَلَوْ بَعْضًا
مِنْهُ وَهَذَا لَا يُنَاقِضُهُ فَبُرِّ (يُفْعَلُ عَنْ أُمَّتِي الْفَطَاءُ وَالنَّسِيَانُ) ؛ لِأَنَّ الْمَعْدُودَ هُنَا ذَنْبُ التَّفْرِيطِ فِي مَحْفُوظِهِ لِعَدَمِ تَعَاهُدِهِ وَدَرْسِهِ

یکی از گناهان کبیره، فراموش کردن قرآن بعد از یادگیری آن است ؛ چرا که سرمنشأ آن، مشغول بودن به کارهای بیهوده
و نامربوط ، کم توجهی و کم اهمیت دادن به آن، بی‌امترامی به قرآن است؛ پس گناه این شخص در نزد خداوند به خاطر

که توجهی قرآن و رویگرداندن از آن، بزرگ است. فراموش کردن قرآن گناه کبیره است؛ ولو برفی از آن باشد. این قضیه با روایت «عقوبت اشتباه و فراموش کردن از امت برداشته شده» در تضاد نیست؛ چرا که در این جا عدم توجه و تفریط به آن چه مفضا کرده به فاطر ممارست و تعهد به آن، گناه ممسوب شده است.

الخادمی، أبو سعید محمد بن محمد (متوفای 1156هـ)، بریقه محمودیه، ج 6، ص 205، طبق برنامه الجامع الكبير.

18. **شهاب الدین القلیوبی (متوفای 1069هـ):**

وی در شمارش گناهان کبیره می گوید:

... وقطیعة الرمح وعقوق الوالدين وضرب المسلم بغير حق ونسيان القرآن ...

... و قطع رمح، عقوق والدین، زدن مسلمان بدو مق، فراموش کردن قرآن و ...

القلیوبی، شهاب الدین أحمد بن أحمد بن سلامة (متوفای 1069هـ)، حاشیتان. قلیوبی: علی شرح جلال الدین، المحلی علی منهاج الطالبین، ج 4 ص 320، تحقیق: مکتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفکر - لبنان، الطبعة: الأولى، 1419هـ - 1998م.

19. **سلیمان البجیرمی (متوفای 1221هـ):**

قوله: (ونسيان القرآن) أي كلاً أو بعضاً إذا كان مافظاً له بعد البلوغ

این گفته نویسنده که: فراموش کردن قرآن (از گناهان کبیره است)؛ یعنی تمام قرآن یا برفی از آن، در صورتی که

آن را بعد از بلوغ مفضا کرده باشد.

البجیرمی الشافعی، سلیمان بن محمد بن عمر (متوفای 1221هـ)، تحفه الحیب علی شرح الخطیب، ج 5 ص 379، ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت/ لبنان - 1417هـ - 1996م، الطبعة: الأولى.

20. **محمد بن علی الشوکانی (متوفای 1255هـ):**

محمد بن علی شوکانی با شمارش گناهان کبیره می نویسد:

... ونسيان القرآن بعد تعلمه وامراق الميوان بالنار وامتناع الزوجة من زوجها بلا سبب.

فراموش کردن قرآن بعد از یاد گرفتن آن، سوزان میوان با آتش، فودداری همسر از همبستری در صورتی که

عذر نداشته باشد ...

الشوکانی، محمد بن علی بن محمد (متوفای 1255هـ)، إرشاد الفحول إلى تحقیق علم الأصول، ج 1 ص 99، تحقیق: محمد سعید البدری ابومصعب، ناشر: دار الفکر - بیروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ - 1992م

ونسیان القرآن کلا أو بعضا إن کان مفضله بعد البلوغ

(یکی از گناهان کبیره) فراموش کردن کل یا برقی از آیات قرآن است؛ اگر آن را بعد از بلوغ مفضا کرده باشد.

الجاوی الشافعی، أبو عبد المعطی محمد بن عمر بن علی بن نووی (متوفای 1316هـ)، نهاییه الزین فی إرشاد المبتدئین، ج 1 ص 385، ناشر: دار الفکر - بیروت، الطبعة: الأولى.

ومنع الزکاة وترک الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر مع القدرة ونسیان القرآن والیأس من رمة الله.

(گناهان کبیره): ندادن زکات، ترک امر به معروف و نهی از منکر با داشتن قدرت، فراموش کردن قرآن، ناامیدی

از رحمت خداوند و ...

الشروانی الطالسی الشافعی، عبد الحمید بن موسی بن بایزید بن موسی، حواشی الشروانی علی تحفة المحتاج بشرح المنهاج، ج 10 ص 214، ناشر: دار الفکر - بیروت.

حال باید از این بزرگان سؤال کرد که آیا رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز این گناه را که در کنار شرک به خداوند، ندادن زکات و... از کبائر محسوب شده، مرتکب شده یا بخاری و مسلم به آن حضرت تهمت زده‌اند؟

نتیجه:

روایات فراوانی در مذمت فراموش کردن قرآن و استحقاق عذاب‌های سخت در منابع اهل سنت نقل شده؛ تا جائی که برخی آن را بزرگترین گناهی که ممکن انسان در قیامت با آن محسور و با خداوند روبرو شود، ذکر کرده‌اند.

همچنین تعداد زیادی از فقهای مذاهب مختلف اهل سنت، آن را در کنار شرک به خداوند، سب صحابه، ندادن زکات و ... از گناهان کبیره دانسته‌اند.

با توجه به این مطالب، آیا می‌توان باور داشت که پیامبر خدا؛ همان کسی که قرآن معجزه جاودان آن حضرت محسوب می‌شود، آیاتی از قرآن را فراموش کرده باشد؟

آیا اهل سنت می‌توانند بپذیرند که رسول خدا صلی الله علیه وآله در قیامت در حالی گرفتار بیماری جذام است، وارد محشر شود؟ بنابراین، به نظر می‌رسد که اتهام فراموش کردن قرآن توسط رسول خدا صلی الله علیه وآله تهمتی است ناروا و زشت که بخاری و مسلم بدون توجه به عوارضش، آن به پیامبر خدا نسبت داده‌اند.